فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی/سال هشتم/ شماره ۲۹ /بهار ۹۵/صفحات ۱۰۲- ۷۹

بررسی رابطه کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت و معیارهای ارزیابی عملکرد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

زهره حاجیها *
محدثه خراط زاده**
امیر رساییان ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۱۳

چکیده

وجود ابزارهای نوین و اثربخش حسابداری مدیریت، مدیران را در دستیابی بهتر به اهداف شرکت یاری می‌کند که در رأس این اهداف، افزودن ثروت سهامداران و ارزش شرکت است. دستیابی به این اهداف از طریق بازارهای سرمایه مورد سنجش قرار دارد. بر این اساس در این پژوهش رابطه شاخص‌های خلق ارزش شامل ارزش‌افزوده اقتصادی، ارزش‌افزوده بازار و سود باقیمانده و کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت در شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران آزمون شده است. روش پژوهش از نوع توصیفی- میدانی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان ارزش‌افزوده بازار و استفاده از نوآوری‌های حسابداری مدیریت مطرح شده در این پژوهش رابطه معناداری وجود دارد، حال آنکه چنین رابطه‌ای میان استفاده

* دانشیار حسابداری، گروه حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: drzhajiha@gmail.com

** کارشناس ارشد حسابداری، گروه حسابداری، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
*** کارشناس ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

از نوآوری‌های حسابداری مدیریت و ارزش‌افزوده اقتصادی و سود باقیمانده وجود ندارد. این یافته نشان می‌دهد بازار سرمایه بهتر از سایر رویکردهای خلق ارزش قادر به درک ارزش ایجاد شده توسط نوآوری‌های حسابداری مدیریت در شرکت است.

واژه‌های کلیدی: نوآوری‌های حسابداری مدیریت، ارزش‌افزوده اقتصادی، ارزش‌افزوده بازار، سود باقیمانده.

۱- مقدمه

امروزه شرکت‌ها در محیط رقابت شدید تجاری به‌وسیله نوآوری‌ها موقعیت خود را مدیریت و پشتیبانی می‌کنند. در نتیجه نوآوری در سیستم حسابداری مدیریت یک ضرورت تعیین کننده در اداره سازمان‌های مدرن است (کیو ینثو[1]،۲۰۱۱). با توجه به پیشرفت‌های روزافزون در کلیه علوم در حسابداری مدیریت نیز پیشرفت‌های زیادی حاصل گردیده که شامل ظهور ابزارهای نوینی در آن می‌شود.

جانسون و کاپلن[2](۱۹۸۷) بیان می‌کنند که"نوآوری‌هایی مانند هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، مدیریت بر مبنای فعالیت، کارت ارزیابی متوازن، تجزیه و تحلیل زنجیره ارزش و سیستم ارزش‌افزوده اقتصادی توسط سازمان ها برای افزایش کیفیت اطلاعات و مدیریت مطرح شده‌اند"(به نقل از کیو ینثو،۲۰۱۱). به این مفهوم حسابداری مدیریت به عنوان یک ایده نو توسط شرکت‌ها، پذیرفته شده و به عنوان ضمانت تدوین قوانین برای سیستم اطلاعات مالی و غیرمالی بکار می‌رود و رهبران را در تصمیم‌گیری برای تأمین اهداف شرکت یاری می‌نماید (فاستر و داتر[3]،۲۰۰۰). تعاریف متعددی از نوآوری را می‌توان در مطالعات ادبیات سازمانی یافت. یک تعریف از نوآوری آن را به عنوان نخستین استفاده از دانش جدید می‌بینند، درحالی‌که در تعریف دیگری، نوآوری به عنوان یک عامل جدید در رابطه با یک سازمان معین شناخته می‌شود. دو مورد از جنبه‌های اصلی تعاریف نوآوری، مربوط به جدید بودن و ارتباط آن با ابتکار است (سن فورد[4]،۲۰۰۷).

حسابداری مدیریت باید به کمک ابزارهای موجود، اطلاعات دقیق‌تر و وسیع‌تری را به مدیران به منظور تصمیم‌گیری‌های مختلف ارائه کند. وجود چنین ابزارهای نوین و اثربخش حسابداری مدیریت، مدیران را در دستیابی بهتر و بهینه‌تر به اهداف شرکت یاری می‌کند که

1 Quynhthu
2 Johnson & Kaplan
3 Foster & Datar
4 Sanford

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

رأس این اهداف، افزودن ثروت سهامداران و ارزش شرکت است (خدامی پور و طالبی،۱۳۸۹). نگرش جدید به ابزارهای حسابداری مدیریت به عنوان کاربرد نوآوری‌ها، شرکت را در خلق ارزش بیشتر برای ذینفعان یاری می‌کند. استفاده از ابزارهای حسابداری مدیریت اطلاعاتی دقیق و مربوط را ارائه می‌دهد که منجر به تصمیم‌گیری‌های مؤثر و دقیق‌تر توسط مدیران می‌شود تصمیماتی که هریک می‌تواند بر عملکرد سازمان تأثیرگذارند. این پژوهش به بررسی تأثیر به‌کارگیری نوآوری‌های حسابداری مدیریت در ایجاد ارزش برای ذینفعان در شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. در این پژوهش معیارهای خلق ارزش شامل ارزش‌افزوده اقتصادی، ارزش‌افزوده بازار و سود باقیمانده و نوآوری‌های حسابداری مدیریت کاربرد هزینه‌یابی برمبنای فعالیت، مدیریت برمبنای فعالیت، هزینه‌یابی بر مبنای هدف، کارت ارزیابی متوازن، هزینه‌یابی استاندارد، هزینه‌یابی کیفیت و هزینه‌یابی کایزن است.

ارزش‌افزوده اقتصادی، ارزش اقتصادی یک کسب‌وکار بعد از در نظر گرفتن کل هزینه سرمایه می‌باشد. در محاسبه ارزش‌افزوده اقتصادی علاوه بر هزینه بدهی، هزینه سهام عادی نیز وارد می‌شود. بنابراین ارزش‌افزوده اقتصادی زمانی ایجاد می‌شود که نرخ بازده سرمایه‌گذاری بیشتر از هزینه سرمایه باشد (استوارت[1]،۱۹۹۱). آنچه در این معیار اهمیت دارد این است که شرکت بتواند بازدهی بیش از هزینه سرمایه منابع مالی خود به دست آورد (شیندر و مک داول[2]،۱۹۹۹). از نقطه نظر سرمایه‌گذاران، ارزش‌افزوده بازار بهترین سنجش نهایی درباره عملکرد یک شرکت می‌باشد. ارزش‌افزوده بازار یک معیار انباشته جهت عملکرد شرکت است و یکی از شاخص‌های بازار برای ارزش ایجاد شده می‌باشد (پناهیان،۲۰۰۳). اگر ارزش بازار کل یک شرکت بیشتر از مقدار سرمایه سرمایه‌گذاری شده در آن باشد، آن شرکت برای تولید ارزش سهامداران تلاش کرده و اگر مورد برعکس باشد، ارزش بازار از سرمایه بکار گرفته‌شده کمتر می‌شود، در واقع شرکت ارزش سهامداران را از بین برده است. ارزش‌افزوده بازار متأثر از عملکرد یک سال شرکت نمی‌باشد، بلکه متأثر از عملکرد سال‌های آتی شرکت است (ودیعی و رضوی راد،۱۳۸۷). سود باقیمانده عبارت است از سود خالص عملیاتی پس از کسر مالیات منهای هزینه سرمایه. برای محاسبه سود خالص پس از کسر مالیات اثر ثبت‌های غیر نقدی حسابداری حذف و صرفه‌جویی مالیاتی ناشی از هزینه‌های تأمین مالی از سود کسر گردیده است (وکیلیان و همکاران،۱۳۸۸). مهم‌ترین کاربرد سود باقیمانده در محاسبه ارزش شرکت می‌باشد

1 Stewart
2 Shinder&McDowell

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

(هیگینز[1]،۲۰۰۸). از این‌رو در این پژوهش به بررسی رابطه نوآوری‌های حسابداری مدیریت و معیارهای اقتصادی عملکرد شرکت از نگاه بازار سرمایه در شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار ایران پرداخته شده است.

این پژوهش از این نظر که ابزارهای حسابداری مدیریت را به عنوان نوآوری آزمون می‌کند و همچنین نقش آن ها را در خلق ارزش از منظر بازار سرمایه در نظر می‌گیرد، پژوهشی نو می‌با شد و تاکنون در سطح شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران آزمون نشده است. در ادامه مقاله سایر بخش‌ها به این صورت سازمان‌دهی و ارائه خواهد شد: ابتدا بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش و متغیرهای پژوهش و شیوه اندازه‌گیری آن‌ها آمده است. سپس جامعه و نمونه آماری و نحوه گردآوری اطلاعات، فرضیه‌های پژوهش، و یافته‌های پژوهش، نتیجه‌گیری و پیشنهادها و در انتهای مقاله نیز محدودیت‌های پژوهش ارائه شده است.

۲- مبانی نظری پژوهش

بر اساس مدل سینک و تاتل[2] (۱۹۸۹) عملکرد یک سازمان حاصل روابط پیچیده بین هفت شاخص عملکرد شامل: اثربخشی، کارایی، کیفیت، بهره‌وری، کیفیت زندگی کاری، نوآوری و سودآوری است. اگرچه نسبت به زمان ارائه این مدل تغییرات بسیاری در صنعت رخداده ولی همچنان این هفت شاخص از اهمیت بسیاری در عملکرد سازمان برخوردار است. بر اساس این مدل، نوآوری یکی از اجزای کلیدی برای بهبود عملکرد است. همچنین بر اساس مدل "نتایج و تعیین‌کننده‌ها[3]" دو نوع شاخص عملکرد پایه در هر سازمان وجود دارد. شاخص‌هایی که به نتایج مربوط می‌شوند شامل عملکرد مالی و رقابت و آن‌هایی که بر تعیین‌کننده‌های نتایج تمرکز دارند: شامل کیفیت، قابلیت انعطاف، به‌کارگیری منابع و نوآوری. بر این اساس نوآوری‌ها از جمله نوآوری‌های حسابداری مدیریت می‌تواند یک عامل تأثیرگذار بر تعیین‌کنندگان نتایج عملکرد باشد. از این‌رو، نوآوری یک عنصر تنیده در همه بخش‌های سازمانی از جمله حسابداری است. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که مهم‌ترین حوزه درگیر با نوآوری، در حسابداری، نوآوری‌های حسابداری مدیریت است(خواجوی و ناظمی[4]، ۲۰۰۶). شرکت‌های باکلاس جهانی باید از جدیدترین و مدرن‌ترین فن‌ها در تولید استفاده نمایند. انعطاف‌پذیری در تولید، فن‌آوری پیشرفته اطلاعاتی، برنامه‌ریزی و کنترل، نوآوری‌های تولید، ساختار سازمانی، کنترل‌های مالی، بهینه

1 Higgins
2 Sink & Tatel
3 Results & Determines Model
4 Khajavi & Nazemi

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

کاوی، برنامه‌های بلندمدت استراتژیک، مدیریت کیفیت جامع و مشارکت فعال نیروی انسانی در عملیات و فرایندهای تجاری از مشخصه‌های این‌گونه شرکت‌ها است. سایر شرکت‌ها نیز باید خود را به استانداردهای جهانی و رقبای خود نزدیک نمایند وگرنه در رقابت برای بقا از بازار حذف خواهند شد. از این‌رو این سیستم‌ها نیازمند نوآوری‌های اطلاعاتی هستند و مهم‌ترین سیستم تأمین‌کننده اطلاعات مالی سیستم حسابداری مدیریت است (همان منبع). جانسون وکاپلن[1] (۱۹۸۷) می‌گویند که"نوآوری‌هایی مانند هزینه‌یابی برمبنای فعالیت، مدیریت برمبنای فعالیت،کارت ارزیابی متوازن، تجزیه وتحلیل زنجیره ارزش و ارزش‌افزوده اقتصادی توسط سازمان‌ها برای افزایش کیفیت اطلاعات و مدیریت مطرح شده‌اند. به‌عنوان‌مثال سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت که پدیده‌ای نوین است و تفکر بها یابی سنتی را به شدت دگرگون نموده است یکی از نوآوری‌های سیستم حسابداری مدیریت است (همت فر، ۱۳۹۱). آمورس- سالوادو و همکاران[2] (۲۰۱۵) معتقدند که نوآوری‌های حسابداری مدیریت زیست‌محیطی منجر به عملکرد پایدار و پویای شرکت می‌گردد. از این‌رو این نوآوری‌ها بهتر می‌تواند باعث پیشبرد اهداف بلندمدت و بیانیه مأموریت سازمان گردد. همچنین به عقیده اورلی و همکاران[3] (۲۰۱۶) به کارگیری نوآوری‌های حسابداری مدیریت یکی از ابزارها و روش‌های اصلاحات اقتصادی است و موجب به ثمر نشستن نتایج اصلاحات در شرکت‌های عمومی می‌گردد.

نوآوری‌های حسابداری مدیریت می‌توانند به عنوان اصل کلی و اجرایی شناخته شوند. بنابراین به شرکت فرصت می‌دهد تا فرآیند خلاقیت را به عنوان یک نوآوری و محرک یک ایده، انتخاب، اشاعه و استنباط و طرح‌ریزی نماید (چن هال[4]،۲۰۰۵). از سوی دیگر به اعتقاد سن فورد[5](۲۰۰۷) دو جنبه اصلی تعاریف نوآوری، جدید بودن و ارتباط آن با ابتکار است.

در نتیجه بکارگیری نوآوری‌های حسابداری مدیریت در سیستم حسابداری یک سازمان می‌تواند بر نتایج عملکرد سازمان تأثیرگذار باشد (به نقل از کریمی،۱۳۸۵). این نوآوری‌ها می‌توانند بر نتایج سازمان آشکارا تأثیرگذارند و آن‌ها را بهبود دهند. به این دلیل در پژوهش حاضر به بررسی رابطه کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت و معیارهای ارزیابی عملکرد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است.

1 Johnson & Kaplan
2 Amores-Salvadó et al.
3 Orelli et al.
4 Chenhall
5 Sanford

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

۳-پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که مستقیماً به بررسی رابطه نوآوری‌های حسابداری مدیریت و معیارهای عملکرد پرداخته‌اند در خارج و داخل کشور نسبتاً کم هستند، اما برخی پژوهش‌ها مرتبط به شرح زیر مطرح است.

۳-۱- پیشینه خارجی

آمورس- سالوادو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی نوآوری‌های زیست‌محیطی در سطح شرکت و عملکرد حسابداری مدیریت زیست‌محیطی پرداختند. نتایج نشان داد که نوآوری‌های زیست‌محیطی عملکرد شرکت را فزایش می‌دهد.

چیوامیتا و همکاران[1] (۲۰۱۴) در پژوهش خود ارزش‌افزوده اقتصادی را یکی از ابزارهای نوآورانه حسابداری مدیریت و مکانیسمی برای حاکمیت شرکتی خوب شرکت معرفی نمودند. نظریه اجتماعی غالب نیز این مکانیسم را یکی از ابزارهای بازار برای حاکمیت شرکتی می‌داند. از این‌رو ارزش‌افزوده اقتصادی باید در تکنیک‌های ارزیابی عملکرد در سیستم حسابداری مدیریت به عنوان یک نوآوری حضور داشته باشد.

هوین و همکاران[2] (۲۰۱۳) در پژوهشی بر یکپارچه‌سازی هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت و ارزش‌افزوده اقتصادی به عنوان یک سیستم یکدست از ارزیابی عملکرد تأکید نمودند و معتقدند این یکپارچه‌سازی باعث از بین رفتن محدودیت هر دو سیستم می‌گردد. این پژوهش نشان داد سیستم ترکیبی جدید به‌طور متوسط ۱۳ درصد عملکرد اقتصادی شرکت و همچنین عملکرد سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت را افزایش می‌دهد.

نوریس و همکاران[3] (۲۰۱۰) در پژوهشی در قالب یک نظرسنجی میان ۵۸۰ نفر از مدیران ارشد آلمانی به بررسی مشارکت واحد حسابداری مدیریت در بهبود عملکرد شرکت پرداخته‌اند. این پژوهش اول به قصد بررسی عوامل تعیین کننده عملکرد واحد حسابداری مدیریت و دوم برای تعیین تأثیر عملکرد واحد حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکت، انجام شد. این پژوهش شش عامل که ارتباط مثبتی با کارایی حسابداری مدیریت دارند را شناسایی نمود. عوامل داخلی مشتری مداری، وجود واحد حسابداری مدیریت بالقوه، اعتماد و همکاری ارتباط قوی‌تری با

1 Chiwamita et al.
2 Huynh et al.
3 Nevries &Others

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

عملکرد واحد حسابداری مدیریت دارن، در مقایسه با عوامل خارجی بخشندگی داخلی و آزادی برای نقش سازی. یافته‌های پژوهش نشانگر ارتباط مثبت میان عملکرد واحد حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت می‌باشد. بر اساس نتایج این پژوهش عملکرد واحد حسابداری مدیریت به ترتیب باکیفیت تصمیم‌گیری مدیران و سازگاری شرکت، مشتری، اثربخشی بازار و عملکرد مالی قوی‌ترین ارتباط را دارد.

دیویس و آلبرایت[1] (۲۰۰۴) پژوهشی با تأثیر موضوع پیاده‌سازی ارزیابی متوازن بر عملکرد شرکت‌ها در یک بانک آمریکایی انجام داده‌اند. آن‌ها در چهار شعبه از بانک پیاده‌سازی نمودند و پس از دو سال نتایج شاخص‌های این چهار شعبه را با چهار شعبه‌ای که هنوز از روش‌های سنتی برای ارزیابی استفاده می‌کردند استفاده نمودند. آن‌ها دریافتند که بین پیاده‌سازی و بکارگیری ارزیابی متوازن و بهبود عملکرد این شعبه‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

انجمن حسابداران مدیریت آمریکا (۲۰۰۳) در پژوهشی به بررسی کاربرد ابزارهای حسابداری مدیریت در شرکت‌های آمریکایی پرداخته است. شیوه‌های مورد بررسی در قالب چهار گروه شیوه بودجه‌بندی و ارزشیابی، شیوه‌های پشتیبان تصمیم‌گیری، روش‌های کنترل، تحلیل و برنامه‌ریزی و شیوه‌های سنجش و بهبود عملکرد دسته‌بندی شد. براساس این پژوهش، شیوه‌های مقداری، هزینه‌یابی سنتی و بودجه‌بندی عملیاتی پرکاربردترین ابزارها و برنامه‌ریزی آرمانی کم‌کاربردترین روش است. مهم‌ترین مانع استفاده ابزارهای حسابداری مدیریت در شرکت‌های کوچک، فعالیت خاص سازمان و در شرکت‌های بزرگ آمریکایی کمیته مدیریت سازمان است.

آدمس[2](۱۹۹۹) نیز در پژوهشی به بررسی کاربرد ابزارهای حسابداری مدیریت توسط مدیران مالی مؤسسات آموزش عالی پرداخت. ابزارهای مورد مطالعه در این پژوهش شامل بودجه‌بندی برنامه‌ای، بودجه‌بندی انعطاف‌پذیر، بودجه‌بندی موقتی، بودجه‌بندی نقدی و روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت بود. بر اساس این پژوهش مؤسسات آموزش عالی خصوصی شاخص نسبت به مراکز مشابه عمومی بر کاربرد شیوه‌های حسابداری مدیریت بیشتر تأکید دارند. مراکز آموزش عالی کاربرد شیوه‌های بودجه‌بندی، قیمت‌گذاری، سنجش عملکرد و تأمین منابع مالی از خارج از سازمان را از واحدهای تجاری موفق در اجرای این ابزارها، اقتباس کرده‌اند. شرایط خاص مالی در مؤسسات آموزش عالی تأثیر بسیار اندکی بر کاربرد شیوه‌های حسابداری مدیریت را نشان می‌دهد.

1 Davis & Alberight
2 Adams

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

۳-۲- پیشینه داخلی

خراط زاده (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و شاخص‌های مالی (نوین و سنتی) در حضور نوآوری‌های حسابداری مدیریت در شرکت‌های تولیدی بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. به منظور بررسی فرهنگ سازمانی از مدل موژن (۱۹۹۱) استفاده نموده است. بر اساس نتایج این پژوهش رابطه معنی‌داری میان فرهنگ سازمانی و شاخص‌های مالی در حضور نوآوری‌های حسابداری مدیریت وجود ندارد.

اسدی و رضایی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر پیاده‌سازی ارزیابی متوازن بر عملکرد بنگاه به بررسی تأثیر این روش بر عملکرد بنگاه (شرکت صا ایران) از طریق دو فرآیند پیمایشی و بررسی میدانی داده‌های واقعی شرکت طی دوره پنج‌ساله (قبل و بعد از پیاده‌سازی) پرداخته‌اند. در این پژوهش به منظور ارزیابی عملکرد از شاخص ارزش‌افزوده اقتصادی و بازده دارایی‌ها استفاده شده است. براساس یافته‌های پژوهش شاخص‌های مذکور پس از پیاده سازی ارزیابی متوازن بهبود یافته‌اند. این بهبود از طریق افزایش در حجم فروش و سود شرکت صورت پذیرفته است.

محمدی الیاسی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به شناسایی عوامل داخلی مؤثر بر عملکرد شرکت‌های نوپا پرداختند. به این منظور چهار متغیر منابع مالی، ظرفیت جذب در سطح فردی، ظرفیت جذب در سطح سازمانی و قابلیت‌های بازاریابی به عنوان متغیرهای مستقل که بیانگر نوآوری‌های سازمانی است و متغیر عملکرد با سه بعد عملکرد مالی، عملکرد بازار و عملکرد مشتری به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این پژوهش نقش متغیرهای مذکور بر عملکرد ۳۰۸ شرکت نوپایی که در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ در شهر تهران ایجاد شده‌اند و با روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه آزمون گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای چهارگانه فوق، عملکرد شرکت‌های نوپا را پیش‌بینی کرده و بر نوآوری این شرکت‌ها مؤثرند.

دانشفرد و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی نقش پیاده‌سازی کارت امتیاز متوازن در بهبود عملکرد شرکت صنایع مخابرات ایران پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش مجریان و متخصصان پیاده‌سازی ارزیابی متوازن شرکت صنایع مخابرات ایران، مدیران فروش و خدمات پس از فروش، مدیران ارشد، مدیران حسابداری مدیریت و مدیران مالی شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند. ۱۲۰ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

شرکت صنایع مخابرات ایران پیاده‌سازی کارت امتیاز متوازن، به بهبود عملکرد سازمان منجر شده است.

اعتمادی و زارعی (۱۳۸۴) در پژوهشی با بررسی عوامل مؤثر بر لزوم استفاده از روش هزینه‌یابی بر مبنای هدف و مهندسی ارزش در صنعت خودروسازی نشان دادند که واحد خودرو ساز مورد مطالعه در صورتی که در حفظ جایگاه خود در بازار با د شواری روبه‌رو شده و افزون بر آن نسبت به سودآوری خود در آینده دچار تردید باشد به‌ضرورت باید به سمت استفاده از روش‌های مدیریت هزینه و ازجمله هزینه‌یابی بر مبنای هدف روی آورد.

۴- روش پژوهش

۴-۱- متغیرهای پژوهش و شیوه اندازه‌گیری آن‌ها

در این پژوهش نوآوری های حسابداری مدیریت به عنوان متغیر مستقل هستند که شاخص‌های آن به شرح زیر است :

هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت[1]: این رویکرد محرک و عوامل مؤثر در هزینه‌های غیرمستقیم ساخت محصول، بازاریابی و پشتیبانی را تعریف نموده و براساس آن هزینه‌ها را به فعالیت‌های مختلف تخصیص می‌دهد(رهنمارودپشتی وجلیلی،۱۳۸۸). امروزه اگر مدیران واحدهای انتفاعی بخواهند محصولی را تولید کنند که در بازارهای جهانی با محصول مشابه خود قابل رقابت باشد و مشتریان را به خود جذب کند، باید نسبت به فعالیت‌هایی که در ساخت محصولات نقش دارد و از هزینه انجام این‌گونه فعالیت‌ها، به‌موقع آگاه شوند. این آگاهی از راه شنا سایی فعالیت‌ها و تخصیص هزینه‌ها و فعالیت‌ها به دست می‌آید (پور موسی،۱۳۸۸).

مدیریت بر مبنای فعالیت[2]: به مدیریت فعالیت‌ها جهت بهبود عملکرد توجه و تمرکز دارد و با کاربست هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت تأثیر تغییرات در تمرین‌های کار، طراحی تولید و استفاده آن، تقاضای مشتریان از منابع مورد درخواست و عملکرد مالی را تعیین می‌نماید(رهنما رودپشتی،۱۳۸۷). سیستم مدیریت برمبنای فعالیت از این باور سرچشمه می‌گیرد که محصولات، فعالیت‌ها را مصرف می‌کنند و فعالیت‌ها نیز منابع را مصرف می‌کنند.

1 Activity Based Costing
2 Activity Based Management

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

هزینه‌یابی بر مبنای هدف[1]: فرآیند مدیریت استراتژیک هزینه به منظور کاهش مجموع هزینه‌ها در مراحل طراحی و برنامه‌ریزی است(رهنمارودپشتی وجلیلی،۱۳۸۸). هزینه‌یابی برمبنای هدف، به عنوان یک ابزار ا سا سی و کارآمد مدیریت، جهت مدیریت هزینه و کاهش بهای تمام‌شده محصولات، رویکردی همه‌سویه را به مرحله طراحی محصول دارد. در این شیوه، براساس پژوهش‌های بازار، قیمت فروش محصولات، پیش از شروع فرآیندهای تولیدی پیش‌بینی و سپس سعی می‌شود، محصولی با بهای تمام‌شده از پیش تعیین شده، طراحی و تولید گردد، تا بتواند سود مورد نظر مدیریت را تأمین کند و درعین حال، از کیفیت مطلوب و شرایط رقابتی برخوردار باشد به‌گونه‌ای که رضایت مشتری به شیوه‌ای شایسته جلب شود(اعتمادی و زارعی،۱۳۸۴).

کارت ارزیابی متوازن[2]: نیاز سازمان‌ها به سازگاری با محیط تجاری پویا و پیچیده امروزی برای ادامه بقا که ناشی از توسعه بازارهای رقابتی است از یک سو و از سوی دیگر فشار مجامع سرمایه‌گذار به مدیران جهت تعیین ارزش و تبیین معیارهای اندازه‌گیری دقیق و شفاف، باعث شد سازمان‌ها سامانه‌های سنتی پاداش و اندازه‌گیری عملکرد را که در دهه قبل به وجود آورده بودند موردبازنگری قرار دهند و دوباره آن‌ها را بیازمایند که آیا مبنای صحیح و قابل اتکایی برای تصمیم‌گیری بوده‌اند یا خیر؟ در سال ۱۹۹۲ پروفسور رابرت کاپلان و دیوید نورتون مقاله‌ای منتشر کردند که در آن رویکرد جدیدی برای اندازه‌گیری عملکرد با عنوان ارزیابی متوازن ارائه نمودند ونشان دادند که شرکت‌های موفق برای ارزیابی عملکرد خود فقط به سنجه‌های مالی متکی نیستند، بلکه عملکرد خود را از سه منظر دیگری که شامل مشتری، فرآیندهای داخلی و رشد و یادگیری می‌باشد، نیز مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

هزینه‌یابی استاندارد: یک سیستم حسابداری مدیریت است که بر اساس تعداد و ساعاتی که ماشین‌آلات و نیروی کار در یک دوره زمانی معین در اختیار بخش تولید بوده است، هزینه‌ها را به محصولات اختصاص می‌دهد(رهنمارودپشتی وجلیلی،۱۳۸۸). بر طبق تعاریف ارائه‌شده در متون اقتصادی استانداردها مبالغ را بر اساس اطلاعات دوره‌های قبل برای پیش‌بینی عناصر، تنظیم دوره فعالیت، تجزیه‌وتحلیل فعالیت‌ها و تعیین هزینه‌های محصول واحد اقتصادی ارائه می‌دهند. این مبالغ برآوردی به عنوان حداقل هزینه نام های گوناگونی مانند هزینه های استاندارد، هزینه‌های نرمال، هزینه‌های برآوردی دارند. به طور کلی در حسابداری مدیریت هزینه‌یابی استاندارد یک ابزار ضروری است به‌خصوص برای شناسایی و تجزیه‌وتحلیل انحراف از

1 Target Costing
2 Balanced Scorecard

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

مبالغ تعیین‌شـــده به منظور هدایت دوره فعالیت و دوری از رفتارها و عواملی که ممکن اســـت باعث افزایش قیمت محصول گردد(الکساندرا[1]،۲۰۱۰).

هزینه‌یابی کیفیت[2]هزینه‌یابی کیفیت عبارت اســت از: شـــناســـایی، طبقه‌بندی و تســـهیم صـــحیح هزینه‌های مرتبط باکیفیت و ارائه اطلاعات مرتبط، به‌نحوی‌که مدیران شـــرکت را در جهت کنترل و بهبود عملیات آن، راهنمایی کند (بیداقی،۱۳۸۸). دو نوع هزینه مرتبط باکیفیت وجود دارد:

- هزینه قابل‌اجتناب
- هزینه غیرقابل‌اجتناب

هزینه قابل‌اجتناب شـــامل هزینه‌هایی از قبیل ضـــایعات، دوباره‌کاری و معیوبات و هزینه غیرقابل‌اجتناب شامل هزینه‌های مرتبط با فعالیت‌های بهبود کیفیت می‌باشد(وانگ[3]،۲۰۱۲).

هزینه یابی کایزن: کایزن واژه‌ای ژاپنی به معنای بهبود مســـتمر برای ارتقاء فعالیت‌های تجاری است و بر کاهش مستمر هزینه‌های شناسایی شده برای محصولات موجود شرکت تأکید دارد(کوپر،۱۹۹۵)[4]. از دیدگاه بخش خدمات، هزینه یابی کایزن کاهش هزینه فرآیند خدمات اســت و به منظور کاهش هزینه و بهبود مســتمر، ســازمان‌ها می‌بایســت از روش‌های هزینه‌یابی کایزن ا ستفاده نمایند. به عقیده هاول و ساکورای[5](۱۹۹۲) تو سط هزینه‌یابی کایزن گروه‌هایی شـــامل بازاریابی، مهندســـی، خرید، تولید و حســـابداری برای جایگاه قیمت محصـــول همکاری می‌کنند(یزدانی،۲۰۱۲).

در این پژوهش داشتن هر یک از نوآوری‌های حسابداری مدیریت با عدد یک و نداشتن آن در شرکت مورد بررسی با عدد صفر نشان داده شده است. تعداد سؤالات ۷ سؤال برای هر تکنیک نوآورانه حسابداری مدیریت بوده و به صورت بلی یا خیر طراحی شده بود. تعداد نوآوری‌های هر شرکت تعیین گردید و شرکت‌هایی که بیش از نیمی از نوآوری‌ها را به کار گرفته بودند به عنوان شرکت‌های دارای نوآوری حسابداری مدیریت (با عدد ۱ نشان داده شدند) و آن‌هایی که کمتر از نیمی از این نوآوری‌ها را در شرکت بکار می‌بردند شرکت‌های فاقد نوآوری تعیین شدند (عدد صفر). اطلاعات لازم در مورد کاربرد هر یک از نوآوری‌های حسابداری مدیریت در شرکت با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه از مدیران مالی شرکت و در قالب چک لیست گردآوری‌شده است.

1 Alexandrus
2 Quality Costing
3 Wang
4 Coope
5 Howell & Sakurai

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

معیارهای خلق ارزش نوین در این پژوهش به عنوان متغیرهای وابسته به شرح زیر در نظر گرفته‌شده است:

ارزش‌افزوده اقتصادی[1] : ارزش‌افزوده اقتصادی، ارزش اقتصادی یک کسب‌وکار بعد از در نظر گرفتن کل هزینه سرمایه می‌باشد(هم هزینه بدهی و هم هزینه حقوق صاحبان سهام) (استوارت[2]،۱۹۹۱) که در این پژوهش از مدل استوارت به شرح زیر استفاده شده است:

$$EVA = (R - C) * Capital$$ رابطه (۱)

که در آن:

NOPAT = سود خالص عملیاتی پس از کسر مالیات، Capital = سرمایه، C = هزینه سرمایه، R = نرخ بازده سرمایه

در این معادله نرخ بازده سرمایه از طریق فرمول زیر به دست می‌آید:

$$R = \frac{NOPAT}{Capital}$$ رابطه (۲)

که در آن:

NOPAT = سود خالص عملیاتی پس از کسر مالیات (سود حسابداری بعد از کسر مالیات + هزینه بهره – صرفه‌جویی مالیاتی بهره هزینه + هزینه کاهش ارزش سرمایه‌گذاری + هزینه کاهش ارزش موجودی + هزینه مطالبات مشکوک الوصول + هزینه مزایای پایان خدمت + هزینه‌های معوق) (حاجیها و احمدی، ۱۳۹۳).

Capital = سرمایه (حقوق صاحبان سهام + بدهی‌های بهره دار (وام) + ذخیره کاهش ارزش سرمایه‌گذاری + ذخیره کاهش ارزش موجودی + ذخیره مطالبات مشکوک الوصول + ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان + ذخیره مزایا هزینه‌های معوق)

هزینه سرمایه از فرمول میانگین موزون هزینه سرمایه (WACC) به شرح زیر به د ست می‌آید:

$$C = WACC = W_d \cdot K_d (1 - t) + (W_e \cdot K_e) + (W_s \cdot K_s)$$ رابطه (۳)

که در آن:

1 Economic Value Added
2 Stewart

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

W_d= وزن بدهی، K_d= نرخ هزینه بدهی، W_e = وزن سهام عادی جدید، K_e = نرخ هزینه سهام عادی جدید، W_s = وزن سود انباشته، K_s = نرخ هزینه سود انباشته، که هر یک به شرح زیر محاسبه می‌گردند :

در رابطه (۴):

$$W_d = \frac{\text{بدهی بهره دار}}{\text{جمع منابع}}$$

در رابطه (۵):

$$K_d = \frac{\text{کل هزینه های مالی}}{\text{کل بدهی های بهره دار}}$$

در رابطه (۶):

$$W_e = \frac{\text{ارزش بازار سهام عادی جدید}}{\text{جمع منابع}}$$

در رابطه (۷):

$$K_e = \frac{D_0 + g}{P_0\,(1-f)}$$

D_0= سود سهام در سال مورد نظر، g= نرخ رشد سود تقسیمی هر سهم (نرخ رشد چندگانه)، P_0 = قیمت هر سهم عادی، f= هزینه انتشار سهام به درصد: در خصوص هزینه‌های انتشار سهام از نرخ ثابت ۱ درصد بنا به استدلال پژوهش مهرانی و رساییان استفاده می‌شود (مهرانی و رساییان، ۱۳۸۸).

در رابطه (۸):

$$W_s = \frac{\text{سود انباشته}}{\text{جمع منابع}}$$

در رابطه (۹):

$$K_s = \frac{D_0 + g}{P_0}$$

ارزش‌افزوده بازار[1]: مقیاسی برای عملکرد خارجی است و ارزیابی عملکرد شرکت از طرف بازار برحسب مقایسه ارزش بازار بدهی و ارزش بازار سهام با سرمایه، سرمایه‌گذاری شده در

1 Market Value Added

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

شرکت(رهنمارود پشتی، ۱۳۸۷؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۴). مدل محاسباتی MVA به شرح زیر است (دیوت وهال[1]،۲۰۰۴).

در رابطه (۱۰):

$MVA =$ حقوق صاحبان سهام − ارزش بازار سهام

سود باقیمانده[2]: عبارت است از سود خالص عملیاتی پس از کسر مالیات منهای هزینه سرمایه. برای محاسبه سود خالص پس از کسر مالیات اثر ثبت‌های غیر نقدی حسابداری حذف و صرفه‌جویی مالیاتی ناشی از هزینه‌های تأمین مالی از سود کسر گردیده است (وکیلیان و همکاران،۱۳۸۸).

در رابطه (۱۱):

$$RI = NOPAT - (CapChg)$$

NOPAT = سود خالص عملیاتی پس از کسر مالیات

CapChg = هزینه سرمایه

هزینه سرمایه نیز مشابه روش تشریح شده در بخش ارزش‌افزوده اقتصادی محاسبه می‌گردد.

۴-۲- جامعه و نمونه آماری و نحوه گردآوری اطلاعات

جامعه پژوهش شامل شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. دلیل انتخاب این جامعه دسترسی به اطلاعات و گزارشگری مالی این شرکت‌ها و همچنین امکان وجود و ا ستقرار نوآوری‌های ح سابداری مدیریت در شرکت‌های تولیدی ا ست. داده‌های این پژوهش از دو طریق گردآوری‌شده است. یکی صورت‌های مالی و دیگری پرسشنامه و م صاحبه که برای گردآوری اطلاعات مربوط به نوآوری‌های ح سابداری مدیریت مورد ا ستفاده قرارگرفته است. در این پژوهش نمونه‌گیری به روش تصادفی صورت گرفته و شرکت‌های نمونه می‌بایست:

۱- دارای داده‌های لازم جهت محاسبه شاخص‌های مالی مورد بررسی این پژوهش باشد.
۲- سال مالی آن‌ها پایان اسفند هر سال باشد.
۳- طی سال‌های۹۰-۱۳۸۶جزء شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران باشند.
۴- تغییر سال مالی نداشته باشند.

1 Dewt & Hall
2 Residual Income

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

۵- دارای حداقل یک تکنیک نوآورانه حسابداری مدیریت مورد اشاره در پژوهش حاضر باشند.

تعداد نمونه انتخابی شامل ۱۰۵ شرکت بود که پرسشنامه پژوهش برای آن‌ها ارسال گردید. از میان پرسشنامه‌های ارسالی تعداد ۷۳ پرسشنامه برگردانده شد. این پرسشنامه برای مدیران مالی شرکت‌های نمونه درباره وجود یا عدم وجود هر یک از نوآوری‌های حسابداری مدیریت در شرکت آن‌ها توسط پژوهشگران ارائه شد. در این پژوهش داشتن هر یک از نوآوری‌های حسابداری مدیریت با عدد یک و نداشتن آن در شرکت مورد بررسی با عدد صفر نشان داده شده است. از این رو به مجموع امتیازات هر شرکت در مورد کاربرد هر نوآوری حسابداری مدیریت عددی نسبت داده می‌شود و با توجه به این امتیاز شرکت‌ها به دو گروه دارای نوآوری‌های حسابداری مدیریت و فاقد این نوآوری‌ها تقسیم می‌گردند.

۵- فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش به منظور دستیابی به اهداف پژوهش سه فرضیه به شرح زیر ارائه شده است:

فرضیه اول- بین کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت و ارزش‌افزوده اقتصادی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم- بین کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت و ارزش‌افزوده بازار رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه سوم- بین کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت و سود باقیمانده رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۶- یافته‌های پژوهش

داده‌ها در بخش شاخص‌های مالی کمی بوده و بر اساس میانگین نتایج حاصله از طریق روش‌های آماری به بیان وجود یا عدم وجود رابطه میان استفاده یا عدم استفاده از نوآوری‌های حسابداری مدیریت و شاخص‌های مالی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. بر همین اساس در ابتدا از طریق آمار توصیفی، مشخصات نمونه آماری و توزیع فراوانی آن‌ها تعیین و استخراج گردد و سپس در سطح آمار استنباطی فرضیات مذکور مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. برای آزمون فرضیات پژوهش با توجه به سنجش رابطه بین متغیرها و نرمال نبودن متغیر وابسته از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

در این بخش توزیع آماری متغیرهای پژوهش در جداول ذیل آمده است.

جدول (۱) پارامترهای توصیفی حسابداری مدیریت

نوآوری حسابداری مدیریت	فراوانی	درصد
دارد	٤٨	٦٥/٨
ندارد	٢٥	٣٤/٢
جمع	٧٣	١٠٠

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج جدول (۱)، ۶۵/۸ درصد از شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار از نوآوری‌های حسابداری مدیریت استفاده و ۳۴/۲ درصد استفاده نمی‌کنند. از این‌رو بیشتر اعضای نمونه دارای این نوآوری‌های اشاره شده در پژوهش حاضر بوده‌اند.

جدول (۲) پارامترهای توصیفی متغیرهای وابسته پژوهش

پارامتر	میانگین	میانه	خطای معیار	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
سود باقیمانده	۱۸۵۶۹۴/۴۵	۵۴۶۷۲/۱۴	۴۸۲۴۹/۴۲	۴۱۲۲۴۳/۲۶	۵/۲۳	۳۳/۰۱
افزوده اقتصادی	-۵۱۲۸۱۲۰۲۸/۶۳	-۱۵۷۰۴۶۶۶/۷۱	۲۵۱۵۹۳۵۴۰/۹۲	۲۱۴۹۶۱۶۱۵۵/۹۵	-۶/۳۲	۴۲/۶۵
ارزش‌افزوده بازار	۶۲۲۸۵۱/۹۰	۱۵۶۵۸۷/۰۰	۲۱۷۳۱۷/۱۳	۱۸۵۶۷۵۸/۳۷	۳/۹۱	۱۷/۷۵

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج جدول (۲)، میانگین نشان می‌دهد که به‌طور متوسط شرکت‌های عضو نمونه پژوهش دارای سود باقیمانده‌ای حدوداً برابر ۱۸۵۶۹۴ هستند. با توجه به اینکه انحراف ضرایب چولگی و کشیدگی توزیع بزرگ‌تر از قدرمطلق ۱/۹۶ است، بنابراین انحراف آن‌ها در مقایسه با توزیع نرمال شدید است و مشاهده دور افتاده از شاخص‌های مرکزی در بالای مقیاس اندازه‌گیری قرار گرفته و منحنی توزیع بلند است.

ارزش‌افزوده اقتصادی دارای چولگی منفی و کشیدگی مثبت است. با توجه به اینکه انحراف ضرایب چولگی و کشیدگی توزیع بزرگ‌تر از قدرمطلق ۱/۹۶ است، بنابراین انحراف آن‌ها در مقایسه با توزیع نرمال شدید است و مشاهده دور افتاده از شاخص‌های مرکزی در بالای مقیاس اندازه‌گیری قرار گرفته و منحنی توزیع بلند است. ارزش‌افزوده بازار نیز دارای چولگی و کشیدگی مثبت است. با توجه به اینکه انحراف ضرایب چولگی و کشیدگی توزیع بزرگ‌تر از قدرمطلق ۱/۹۶ است، بنابراین انحراف آن‌ها در مقایسه با توزیع نرمال شدید است و مشاهده دور افتاده از شاخص‌های مرکزی در بالای مقیاس اندازه‌گیری قرار گرفته و منحنی توزیع بلند است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

با توجه به نتایج آماره‌های توصیفی که در جدول بالا ارائه و تفسیر گردید، در این بخش نرمال بودن داده‌ها در جدول ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول (۳) آزمون نرمال بودن متغیرهای وابسته

پارامتر	میانگین	انحراف معیار	sig
سود باقیمانده	۱۸۵٦۹٤/٤٤۷	٤۱۲۲٤۳/۲٥۹	۰/۰۰۰
ارزش‌افزوده اقتصادی	-٥۱۲۸۱۲۰۲۰/٦۲۷	۲۱٤۹٦۱٦۱٥٥/۹٥۲	۰/۰۰۰
ارزش‌افزوده بازار	٦۲۲۸٥۱/۹۰٤	۱۸٥٦۷٥۸/۳۷۰	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج جدول (۳)، مقدار معناداری برای هر سه متغیر کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد که نشان دهنده نرمال نبودن داده‌های مربوط می‌باشد.

۶-۱- تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول : بین کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت و ارزش‌افزوده اقتصادی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به اینکه مقدار معناداری بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد یعنی سطح خطای محاسبه شده بزرگ‌تر از۰/۰۵ است، در نتیجه فرضیه صفر در سطح ۹۵٪ اطمینان تائید شده و بنابراین می‌توان ادعا نمود که بین کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت و ارزش‌افزوده اقتصادی (EVA) رابطه معنی‌داری وجود ندارد. مقدار ضریب همبستگی ۰/۰۴۹- می‌باشد که نشان دهنده ارتباط پایین و معکوس بین دومتغیر می‌باشد. نتایج به دست آمده در جدول(۴) بیان شده است.

جدول (٤) بررسی ارتباط بین کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت و ارزش‌افزوده اقتصادی

			حسابداری مدیریت	ارزش‌افزوده اقتصادی
ضریب اسپیرمن	حسابداری مدیریت	ضریب همبستگی	۱/۰۰	-۰/۰٤۹
		sig		۰/٦۹۷
	ارزش‌افزوده اقتصادی	ضریب همبستگی	-۰/۰٤۹	۱/۰۰
		Sig	۰/٦۹۷	

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

فرضـــیه دوم:بین کاربرد نوآوری های حســـابداری مدیریت و ارزش‌افزوده بازار رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به اینکه مقدار معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد یعنی سطح خطای محاسبه شده کوچک‌تر از۰/۰۵ است، درنتیجه فرضیه صفر در سطح ۹۵٪ اطمینان رد شده و بنابراین می‌توان ادعا نمود که میان کاربرد نوآوری‌های حســـابداری مدیریت و ارزش‌افزوده بازار(MVA) رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضـــریب همبســـتگی ۰/۲۸۹- می‌باشـــد که نشـــان دهنده ارتباط متوسط و معکوس بین دو متغیر می‌باشد. نتایج به دست آمده در جدول (۵) بیان شده است.

جدول (۵) بررسی ارتباط بین کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت و ارزش‌افزوده بازار

			حسابداری مدیریت	ارزش‌افزوده بازار
ضریب اسپیرمن	حسابداری مدیریت	ضریب همبستگی	۱/۰۰	-۰/۲۸۹
		sig		۰/۰۱۳
	ارزش‌افزوده بازار	ضریب همبستگی	-۰/۲۸۹	۱/۰۰
		sig	۰/۰۱۳	

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضـــیه ســـوم: میان کاربرد نوآوری‌های حســـابداری مدیریت و ســـود باقیمانده رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به اینکه مقدار معناداری بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد یعنی سطح خطای محاسبه شده بزرگ‌تر از۰/۰۵ اســـت، درنتیجه فرضـــیه صـــفر در ســـطح ۹۵٪ اطمینان تائید شـــده و بنابراین می‌توان ادعا نمود که میان کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت و سود باقیمانده (RI) رابطه معنی‌داری وجود ندارد. مقدار ضریب همبستگی ۰/۴۰۵- می‌باشد که نشان دهنده ارتباط پایین و معکوس بین دو متغیر می‌باشد. نتایج به دست آمده در جدول (۶) بیان شده است.

جدول (٦) بررسی ارتباط بین کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت و سود باقیمانده

			حسابداری مدیریت	سود باقیمانده
ضریب اسپیرمن	حسابداری مدیریت	ضریب همبستگی	۱/۰۰	-۰/۰٤٥
		sig		۰/۷۰٤
	سود باقیمانده	ضریب همبستگی	-۰/۰٤٥	۱/۰۰
		sig	۰/۷۰٤	

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش به بررسی رابطه میان سه شاخص ارزیابی عملکرد مالی شامل ارزش‌افزوده اقتصادی، ارزش‌افزوده بازار، سود باقیمانده و کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت در شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. به این منظور ۷۳ شرکت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به منظور جمع‌آوری داده‌های مربوط به کاربرد ابزارهای حسابداری مدیریت از پرسشنامه (به صورت چک لیست بلی خیر در مورد وجود یا عدم وجود هر ابزار) استفاده شده و به منظور گردآوری داده‌های مربوط به محاسبه شاخص‌های مالی از صورت‌های مالی منتشره توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۶ استفاده گردیده است.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده نشان می‌دهد که بین ارزش‌افزوده بازار و کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بر اساس این نتایج میان ارزش‌افزوده اقتصادی، سود باقیمانده با کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

نظر به اینکه استفاده از ابزارهای حسابداری مدیریت بر تهیه دقیق‌تر اطلاعات حسابداری تأثیر دارد، استفاده از آن‌ها ممکن است بر محاسبه شاخص‌های عملکرد نیز مؤثر باشد. به‌طورکلی انتظار بر آن است که نوآوری‌های حسابداری مدیریت بتواند در خلق ارزش سازمانی مشارکت نموده و از طریق فراهم‌سازی اطلاعات دقیق و مربوط و به‌موقع مدیران را در خلق ارزش‌افزوده اقتصادی بیشتر یاری رساند. از سوی دیگر این ابزارهای نوآورانه از طریق کمک به شناسایی فعالیت‌های فاقد ارزش‌افزوده و اتلاف‌ها در سازمان به تولید ارزش سازمانی کمک خواهد کرد. اما در شرکت‌های نمونه بورس تهران این ارتباط مشاهده نمی‌شود. شاید علت آن را باید در عدم استفاده لازم مدیران علی‌رغم وجود و استقرار و هزینه نمودن برای این سامانه‌ها شناسایی نمود. به عبارتی ممکن است مدیران ارشد شرکت‌های ایرانی به‌اندازه کافی به این ابزارهای حسابداری مدیریت باور نداشته و آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌های خود مورد استفاده قرار نمی‌دهند. تنها ارزش‌افزوده بازار دارای رابطه با کاربرد نوآوری ها بود. با توجه به اینکه ارزش‌افزوده بازار یک شرکت تحت تأثیر عامل برون سازمانی به نام ارزش بازار سهام می‌باشد و درواقع متأثر از واکنش‌های بازار سرمایه به اطلاعات حسابداری منتشر شده توسط سازمان است و این اطلاعات نیز تحت تأثیر ابزارها و روش‌های مورد استفاده در تهیه آن‌ها قرار دارند، بنابراین استفاده از نوآوری‌های حسابداری مدیریت بر ارائه دقیق این اطلاعات به بازار سرمایه تأثیرگذار

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

می‌باشد در نتیجه ابزارهایی که توسط مدیریت سازمان به کار می‌رود بر ارزش‌افزوده بازار تأثیر بیشتری می‌گذارند. به همین منظور می‌توان به بررسی رابطه متغیرهایی مانند سود خالص، سود پس از کسر مالیات، حقوق صاحبان سهام و ... که بر بیشتر شاخص‌های مالی ارزیابی عملکرد مؤثرند با کاربرد ابزارهای حسابداری مدیریت پرداخت که نتایج حاصل از آن ممکن است منجر به استفاده بیشتر از حسابداری مدیریت به منظور دستیابی به شاخص‌های عملکرد دقیق‌تر گردد و این خود منجر به تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تری توسط مدیران و سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه در بازار سرمایه می‌گردد. بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

با توجه به عدم وجود رابطه معنی‌دار بین کاربرد نوآوری های حسابداری مدیریت و ارزش‌افزوده اقتصادی، پیشنهاد می‌شود مدیران شرکت‌ها تعهد سازمانی بیشتری در کاربرد این ابزارها در تصمیم‌گیری‌های منجر به خلق ارزش داشته باشند برای این منظور می‌توان اقدام به ایجاد طرح‌های آموزشی برای آشنایی مدیران ارشد و کارکنان با مفاهیم و ابزارهای حسابداری مدیریت و چگونگی کاربرد اطلاعات این ابزارها در تصمیم‌گیری نمود.

اجرای آزمایشی نوآوری‌های حسابداری مدیریت و بررسی تأثیر آن بر شاخص‌های مالی گوناگون نسبت به دوره‌های قبل به عنوان مثال سود باقیمانده.

بازنگری در سیستم حسابداری مدیریت شرکت‌ها و استفاده از ابزارهای نوین آن تا کاربرد نوآوری‌ها بیشتر در خلق ارزش‌افزوده بازار مؤثر واقع شوند.

۸- محدودیت‌های پژوهش

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه در مورد اکتشاف به‌کارگیری نوآوری‌های حسابداری مدیریت است که متکی به گزارش فرد پاسخ دهنده در مورد بکار گیری آن نوآوری‌ها در شرکت مورد بررسی می‌باشد. در صورت استفاده از روش مشاهده مستقیم و واکاوی نوآوری‌ها شاید نتایج دقیق‌تری از کاربرد آن‌ها بتوان به دست آورد.

۹- منابع

۱- اسدی، غلامحسین، رضایی، مصطفی (۱۳۹۰)؛ "تأثیر پیاده‌سازی ارزیابی متوازن بر عملکرد بنگاه"، **تحقیقات حسابداری**، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۷۱-۵۶.

۲- اعتمادی، حسین و زارعی، غلامرضا (۱۳۸۴)؛ "عوامل مؤثر بر لزوم استفاده از روش هزینه‌یابی برمبنای هدف و مهندسی ارزش در صنعت خودروسازی"، **مجله اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**، دوره۲۲، شماره۲، صص۴۴-۳۱.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

۳- اعتمادی، حسینی، دیانتی دیلمی، زهرا (۱۳۸۷)؛ "بررسی آثار فرهنگ سازمانی، مشارکت در بودجه‌بندی و سیستم‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد مدیران"، **پژوهش‌های مدیریت در ایران**، دوره۱۳، شماره۴، صص۶۰-۳۵.

۴- بیداقی، بابک (۱۳۸۸)؛ "هزینه‌یابی کیفیت و تأثیر آن در هزینه‌های سازمانی"، **مجله بندر و دریا**، شماره۳۳، صص۱۲۳-۱۱۸.

۵- پور موسی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)؛ "مدیریت برمبنای فعالیت‌ها"، **نشریه صنعت لاستیک ایران**، شماره۵، صص۸۰-۷۴.

۶- حاجیها، زهره، مهدیه، احمدی (۱۳۹۳)؛ "ارائه به‌موقع صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای: بررسی تأثیر عملکرد مالی و اقتصادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی**، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۱۴۹- ۱۷۲.

۷- حیدری مهدی، دیدار حمزه، قادری، بهمن (۱۳۹۴)؛ "بررسی رابطه هزینه های نمایندگی با معیارهای ارزیابی عملکرد: رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری"، **فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی**، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۷۷-۱۰۱.

۸- خدامی پور، احمد، طالبی، رقیه(۱۳۸۹)؛ "بررسی کاربرد ابزارهای حسابداری مدیریت توسط مدیران شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **مجله دانش حسابداری**، سال اول، شماره۲، صص۱۳۷-۱۱۷.

۹- دانشفرد، کرم الله، وحدانی ،کاوه، آغاز، عسل (۱۳۸۹)؛ "بررسی نقش پیاده‌سازی کارت امتیاز متوازن در بهبود عملکرد سازمان"، **فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی**، سال چهارم، شماره ۲، صص ۷۲-۵۵.

۱۰-رهنمای رودپشتی، فریدون (۱۳۸۷)؛ حسابداری مدیریت راهبردی مبتنی بر مدیریت هزینه ارزش آفرین، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۱۱-رهنمای رودپشتی، فریدون وجلیلی، محمد (۱۳۸۸)؛ هزینه‌یابی هدف، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۱۲-شیندر، مک داول،ترجمه صدقی،روح اله(۱۳۸۲)؛"آشنایی با برخی مفاهیم اساسی حسابداری مدیریت"، **مجله حسابرس**، شماره۲۱، صص۶۲-۵۸.

۱۳-کریمی، تورج (۱۳۸۵)؛ "مدل های نوین ارزیابی عملکرد سازمان"، **ماهنامه تدبیر**، شماره۱۷۱، صص۲۷-۲۲.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

۱۴-محمدی الیاسی، قنبر، چیت ساز، احسان، گرامی، عباس (۱۳۸۹)؛ "شناسایی عوامل درون سازمانی مؤثر بر عملکرد شرکت‌های نوپا"، **اقتصاد و تجارت نوین**، سال ۶، شماره ۲۱-۲۲، صص ۲۷-۴۸.

۱۵-مهرانی، ساسان ور سایبان، امیر(۱۳۸۸)؛ "رابطه ارزش‌افزوده اقتصادی و نسبت های مالی شرکت‌های تولیدی بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست های اقتصادی**، سال ۱۷، شماره۵۲، صص۱۱۴-۹۳.

۱۶-ودیعی، محمدحسین، رضوی راد، محمود (۱۳۸۷)؛ "بررسی اثر افزایش سرمایه برارزش‌افزوده بازار در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **مجله دانش و توسعه**، سال ۱۵، شماره۲۳، صص۱۹۱-۱۷۱.

۱۷-وکیلیان آغویی،مهدی وهمکاران(۱۳۸۸)؛ "بررسی رابطه بین ارزش‌افزوده اقتصادی و سود باقیمانده در پیش بینی سود هر سهم آتی"، **تحقیقات مالی**، دوره۱۱، شماره۲۷، صص۱۲۲-۱۱۱.

۱۸-همت فر، محمود (۱۳۹۱)؛ "کاربرد الگوریتم ژنتیک ترکیبی و روش شبکه های عصبی در بهایابی بر مبنای فعالیت"، **فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی**، سال ۱۴، شماره ۱۶، صص ۱۳۶-۱۵۹.

19- Adams O. L. (1999);"A National Study of the Status of Managerial Accounting Practices in Higher Education Administration as Perceived by the Chief Financial Officers", Ph.D Dissertation.

20- Alexandru, Marian&Felicia (2010); "The Method of Standard Costing In public Management A possible And Necessary Option", **Theoretical and Applied Economics-Asociaţia Generalā an Economiştilor din România,** Vol. 5, pp1-28.

21- Amores-Salvadó, Javier, Martin-de Castro, Gregorio, José Emilio, Navas-López (2015); "The importance of the complementarily between environmental management systems and environmental innovation capabilities: A firm level approach to environmental and business performance benefits", **Technological Forecasting and Social Change**, Vol. 96, pp. 288-297.

22- Chenhall, R.H., (2005); "Integrative strategic performance measurement systems, strategic alignment of manufacturing, learning and strategic outcomes: An exploratory study". **Accounting, Organization and Society**, vol. 30, pp. 395-422.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

23- Chiwamita, Pimsiri, Sven Modella & ChunLei Yanga (2014); "The Societal Relevance of Management Accounting Innovations: Economic Value Added and Institutional Work in the Fields of Chinese and Thai State-Owned Enterprises", **Accounting and Business Research**, Volume 44, Issue 2, pp. 144-180.
24- Cooper, R. (1995); When Lean Enterprises Collide: Competing Through Confrontation, Cambridge, MA, and Harvard Business School Press.
25- Datar, Srikant M., Foster, George. (2000); Cost Accounting Ipe 10th Edition Cost Accounting: Study Guide (The Educational Technology Anthology Series), Pearson Education, Lincoln, LIN, United Kingdom.
26- Davis, S.Alberight, T. (2004); "An investigation of the effect of Balanced scorecard implementation on financial performance", **Management accounting Research**. Vol. 5, pp 151-184.
27- DeWet&Hall (2004); Concept of EVA&MVA, **Meditari Accountancy Research**, Vol.12, No.1, pp34-42.
28- Higgins, N.Huong (2008);" Forecasting Stock Price with The Residual Income Model", **Review of Quantitative Finance and Accounting**, Vol. 36(4), pp1-31.
29- Horngren, C.T, G.Foster, &S.M.Datar (2000); Cost Accounting: A Managerial Emphasis, 10Th Edition, Prentice hall, Upper saddle River, NJ USA.
30- Johnson, H. T. and R.S. Kaplan (1987); "Relevance Lost". **Accounting Horizons**, (December), pp110-116.
31- Johnson, H. T. and R.S. Kaplan (1987); Relevance Lost: The Rise and fall of Management Accounting, Boston: **Harvard Business** School Press.
32- Khajavi, Shokrollah and Nazemi, Amin (2006); "Innovation in Management Accounting: The Needs of World-Class Firms".Available at SSRN: **http://ssrn.com/abstract=949200 or http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.949200**.
33- Muijen, J.V. (1999); "Organizational Culture: The Focus Questionnaire", **European Journal of work and organizational psychology**, No. 8, Vol.4, pp551-568.
34- Nevries, Pascal&Langfield-Smith, Kim&Sill, Frauke (2010); "The contribution of management accounting departments to firm

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

performance", **University of Witten/ Herdecke- Germany**, pp1-37.

35- Orelli, Rebecca Levy and Padovani, Emanuele and Katsikas, Epameinondas (2016); "NPM Reforms in Napoleonic Countries: A Comparative Study of Management Accounting Innovations in Greek and Italian Municipalities". International Journal of Public Administration, Available at **SSRN: http://ssrn.com/abstract=2733404**.

36- Panahiyan, Hossein (2003); "Application of Economic Value Added on Financial Decision-making", **Capital journal**, No.3, pp73-76.

37- Quynhthu Nguyen (2011);"The Relationship between Corporate Culture and Use of Management Accounting Innovation in Vietnamese Companies: A Study of Techcom Bank", Graduation project.

38- Sanford, B. (2007); "Innovation, Success and Failure in Public Management Research: Some Methodological Reflections", **Public Management,** vol 25, No.3, pp3-17.

39- Shinder, M., & McDowell, D. (1999); "ABC, the balanced scorecard and EVA", **Evaluation**, No.1vol. 2, pp 1-5.

40- Sink, D.S., Tuttle, T.C. (1989); Planning and Measurement in Your Organisation of the Future, Industrial Engineering and Management Press, Norcross, GA, pp. 170-84.

41- Stewart, G (1991). The Quest for Value. New York, NY: Harper Business.

42- Tandung Huynh, Guangming Gong, Anhtuan Nguyen. (2013); "Integrating Activity-Based Costing with Economic Value Added", **Journal of Investment and Management**. Vol. 2, No. 3, pp. 34-40.

43- Wang, Shi Min Alex & Others, (2012); "Cost of Services And Quality: A Literature Reviw", National Taiwan University.

44- Yazdani,Qanbar Ali,(2012); "Investigating The Cost Of Educating Per Study using Activity Based Costing(ABC) System In Islamic Azad University Qaemshahr Branch", **American Journal Of scientific Research**,Vol.62. pp 55-91.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]